



## مقایسه تطبیقی نقوش سفالینه‌های محوطه کهنک شهرستان سریشه با نقوش سنتی گلیم و قالیچه‌های ذهنی‌باف معاصر این شهرستان در استان خراسان جنوبی

امیر انوری مقدم\* مهتاب مبینی\*\* محمد فرجامی\*\*\*

### چکیده

شهرستان سریشه در استان خراسان جنوبی به دلیل موقعیت ویژه جغرافیایی، همواره تحت تأثیرات فرهنگی و اجتماعی اقوام کوچ‌رو و مهاجر قرار گرفته است. نتیجه این تعاملات در مقاله پیش رو، با هدف بررسی رابطه نقوش سفالینه‌های به‌دست آمده از چهار فصل کاوش باستان‌شناسی محوطه کهنک سریشه و نقوش به‌کار رفته در دست‌بافته‌های سنتی این منطقه بالأخص قالیچه‌های ذهنی‌باف و گلیم آورده شده است. در این دست‌بافته‌ها که حاصل سرپنجه عشایر بهلولی، بلوچ و هنر بومیان این شهرستان بوده، سعی شده تا نقوش از نظر وجوه اشتراکی و افتراقی احتمالی و همچنین اصالت و هویت بومی بررسی شوند. پرسش اساسی این است که ارتباط معناداری میان نقوش یادشده وجود دارد؟ و این ارتباط چه حوزه‌هایی را شامل می‌شود؟ در این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته، نقوش استخراج‌شده مطالعه و مقایسه تطبیقی گردیده و در گردآوری اطلاعات، از روش میدانی، تصویربرداری از نمونه‌ها، مصاحبه با هنرمندان و مطالعه مستندات کتابخانه‌ای استفاده شده است. مطالعه صورت‌گرفته نشان داد که رابطه معناداری میان نقوش سفالینه‌ها و دست‌بافته‌های سنتی منطقه وجود داشته است و زمینه‌های اشتراک فراوانی دارند. نقوش ساده و ترکیبی تجریدی ملهم از گیاهان، طبیعت و اشیاء، بیشترین گروه نقوش را تشکیل داده و نقوش انسانی، جز در دست‌بافته‌ها، در سفالینه‌های کهنک قابل‌شناسایی نیستند. استفاده از نقوش و فرم‌های مشابه در سفال و دست‌بافته‌های منطقه، نشان از تداوم و پیوستگی فرهنگی و همچنین شرایط زیست‌محیطی، اعتقادات و باورداشته‌های آنها دارد. با توجه به این که در تطبیق برخی از نقوش سفالینه‌ها مشابه بومی به‌دست نیامد، لذا بنا بر فرض وارداتی بودن نقوش، می‌توان منشأ برخی از آنها را گونه‌های سفال نیشابور دانست.

**کلیدواژه‌ها:** قالیچه ذهنی‌باف، گلیم سنتی، سفال منقوش، محوطه تاریخی کهنک، سریشه

\* دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه پیام نور تهران شرق (نویسنده مسئول). anvari\_skchto@yahoo.com

\*\* استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه پیام نور تهران شرق.

\*\*\* دانشجوی دکترا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.

## مقدمه

تولیدات سفال و دست‌بافته‌های داری از جمله قالیچه و گلیم به دلیل پیشینه تاریخی و موجودیت در تمامی تمدن‌های بشری پیش از تاریخ تا دوران معاصر به‌رغم تفاوت‌های ماهوی و مواد مورد کاربرد، دارای بالاترین قرابت و مشابهت در نقش‌مایه‌ها هستند و از آنجا که هر دو دارای بالاترین طیف نقوش و ارزش هنری بوده، مرجع ارزیابی‌های گوناگون علمی و هنری قرار می‌گیرند.

سفال به‌جهت تولید فراوان و مداوم، همیشه با دگرگونی‌ها و نوآوری‌هایی در فرم و نقش همراه بوده است. بخشی از این تحولات، بر اثر تطور و رشد درونی فرهنگ و هنر در طول زمان به‌وجود آمده و بخش دیگر، به‌علت تعاملات فرهنگی و اقتصادی با جوامع دور و نزدیک پدیدار می‌شوند. از سوی دیگر، سفال به‌دلایل گوناگونی نظیر تولید انبوه، صادرات و کاربرد آن در حمل‌ونقل کالاهای تجارتنی، بهترین گونه فرهنگی برای شناخت اقوام و جوامع مختلف به‌شمار می‌آید (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۹). آرایه‌ها، از اجزای مهم مطالعاتی سفال هستند. موضوع آرایه، نقوش و یا تزئینات، موضوعی نسبتاً عمیق و گسترده است که از سه منظر می‌توان به آن توجه نمود؛ نخست نگاه هنری، دیگر نگاه معنایی و آیینی و سرانجام، نگاه کاربردی و کارکردی (حیدری، ۱۳۸۸: ۱۵۸). دست‌بافته‌ها همواره بخشی از زندگی و صنایع دستی روستایی و عشایر محسوب شده و عوامل مختلف اقلیمی، پراکندگی جغرافیایی مناطق، باورها و تعاملات فرهنگی با مناطق هم‌جوار؛ بالأخص سیستان، هرات و جمعیت قابل‌ملاحظه عشایر مهاجر بلوچ منطقه، باعث شده تا نقوش بومی تحت تأثیر قرار گرفته و گزینش‌های تدریجی در نقوش سنتی و بومی اقوام و مناطق یادشده به‌تدریج به‌واسطه تداوم در کاربرد رایج شوند؛ به‌گونه‌ای که تفکیک آنها از نقوش بومی منطقه، بسیار سخت و تا حدی غیرممکن باشد.

ویژگی‌های اقلیمی و شرایط طبیعی خراسان جنوبی، زمینه‌ساز وجود زندگی کوچ‌نشینی در این منطقه شده است. هم‌چنین، عدم وجود راه‌های ارتباطی عمده در این ناحیه سبب شده تا بافت اجتماعی آن کمتر دچار تغییر شود و ساختار زندگی اجتماعی ساکنان این منطقه بر مبنای عشیره پابرجا بماند. اساس زندگی عشایر در جنوب خراسان و سیستان و بلوچستان با یکدیگر آمیخته و به حدود دو یا سه هزار سال قبل از اسلام برمی‌گردد. بهلولی‌ها، مهم‌ترین عشایر این خطه هستند که در نقاط مختلف استان زندگی کرده و بالاترین درصد عشایر را به خود اختصاص داده‌اند (علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۹: ۲۵ و ۲۶).

مقاله حاضر در جهت روشن نمودن این مسأله تلاش می‌کند که ارتباط معناداری میان نقوش داده‌های باستان‌شناسی سفال‌های کهنک سربیشه و دست‌بافته‌های مورد مطالعه منطقه پیدا نماید و اگر این رابطه وجود دارد، با جستجوی وجوه اشتراکی و افتراقی نقوش، بتوان اقدامی در جهت شناخت و دسته‌بندی نقوش سفالینه‌های کهنک و دست‌بافته‌های سنتی معاصر در محدوده مورد بحث انجام داد. از طرفی، اثبات پیشینه و تداوم نقوش به‌استناد تاریخ سفالینه‌های مکشوفه می‌تواند ما را در تعیین قدمت حدودی صنایع دستی داری و سفالگری سنتی منطقه راهگشا باشد؛ هم‌چنین، بر تعاملات فرهنگی و اعتقادی بومیان منطقه در به‌کارگیری عناصر تزئینی بر روی این آثار و تداوم و تأثیرپذیری هنرها از یکدیگر و اصالت آنها صحه می‌گذارد. تحقیق پیش رو علاوه بر جمع‌آوری تعداد زیادی از نقوش سنتی در شهرستان سربیشه، گامی در جهت حفظ و نگهداری آنها خواهد بود؛ زیرا به‌دلایلی از جمله، تغییرات مداوم زندگی روستایی و عشایری، خشکسالی‌های پیاپی در منطقه و کاهش دامداری و کشاورزی، درآمد پایین مشاغل سنتی و به‌دنبال آن، کاهش روند انواع تولیدات، تغییرات درخواستی دلالتان و واسطه‌گران قالی و گلیم در طرح‌ها و رنگ‌ها، نقوش بومی در حال فراموشی هستند. مقاله حاضر هم‌چنین می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران و محققان در راستای معرفی قابلیت‌های باستان‌شناسی و صنایع دستی منطقه، ارائه مقالاتی با رویکردهای منشأشناسی سفال‌های محوطه تاریخی کهنک و بررسی‌های ژرف‌نگر در طرح، رنگ، کاربرد، وجه تسمیه و اعتقادات و باورهای عامیانه در نقش‌مایه‌ها و نقوش تولیدات صنایع دستی منطقه باشد.

## پیشینه پژوهش

تا کنون در خصوص معرفی نقوش در هنرهای دستی و سنتی شهرستان سربیشه، تحقیق جامعی صورت نگرفته است. موارد یافت‌شده که دارای مشابهت موضوعی بوده و تا حدی به موضوع مقاله حاضر مرتبط هستند، به‌شرح زیر است: برازنده مقدم (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "شناخت و بررسی گلیم خراسان جنوبی"، در چند صفحه، مختصری پیرامون گلیم و ابزار و روش‌های بافت و معرفی تعدادی از نقوش گلیم شهرستان سربیشه مطالبی را بیان کرده است. شاه بیگی (۱۳۸۸) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "بررسی و تحلیل نقوش گلیم‌های خراسان جنوبی"، به بررسی ساختاری و تغییر تکاملی نقوش عمده و رایج در گلیم‌های خراسان جنوبی پرداخته است. از طرفی، تا کنون هیچ‌گونه پژوهشی در خصوص نقوش سفالینه‌های

۱۳۸۱ در تابعیت شهرستان بیرجند بوده و در این سال به شهرستان تبدیل شد.

از نقطه نظر اقلیمی، در محدوده کوهستانی آب‌وهوای نیمه‌خشک واقع شده است که در دشت‌ها و زمین‌های هموار، آب‌وهوای خشکی داشته و جزء ناحیه کوهپایه‌ای داخلی ایران محسوب می‌شود. در این ناحیه، زمستان‌های بسیار سردی حاکم بوده؛ علت اصلی این وضعیت، نبودن پوشش گیاهی و فراوانی زمین‌های عریان است (نجاتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۰۹). ... از برجسته‌ترین بخش‌های این منطقه، روستای "مود" است که صنعت قالی و برک در آن رواج بسیار دارد (آیتی، ۱۳۷۱: ۱۹). وجود محوطه‌های فرهنگی که به دوران پیش از تاریخ تعلق دارد به همراه سایر آثار فرهنگی دیگر چون غارها، قلعه‌ها، محوطه‌ها، قبرستان‌های قدیمی و کاروانسراها و غیره، نشان‌دهنده سابقه سکونت طولانی در این منطقه است (زارعی، ۱۳۹۳: ۸). وجود گورهای معروف به گبری در روستاهای این شهرستان از جمله پشته نُه طاق چنشت، محوطه گبری مود، محوطه باسناباد، تپه تَه‌کندوک، کلاته سلیمان و ...، گواهی بر این است که مردمان این منطقه قبل از اسلام پیرو دین زرتشتی بوده که شواهد تاریخی، مؤید این مطلب هستند (فرجامی، ۱۳۹۶: ۴۳۶).

### محوطه تاریخی کهنک

محوطه باستانی کهنک در شهرستان سربیشه، بخش مرکزی، دهستان مؤمن‌آباد و ۵۰ متری شرق روستای کهنک واقع شده است. این محوطه با طول تقریبی ۷۰۰ و عرض ۲۰۰ متر، مساحت ۱۴۰۰۰۰ متر مربع را شامل می‌شود (فرجامی و محمودی‌نسب، ۱۳۹۳: ۴۲ و ۴۳؛ ۱۳۹۴: ۴۲).

محوطه کهنک به‌عنوان یکی از سایت‌های باستان‌شناختی ارزشمند، با توجه به داده‌های سطحی و کاوش‌های صورت‌گرفته (چهار فصل کاوش طی سال‌های ۹۵-۹۲)، بازه زمانی قرون میانی اسلامی (قرون سوم و چهارم هجری تا دوره تیموری-صفوی) را شامل می‌شود که استقرار در آن، از شرق به غرب محوطه صورت پذیرفته است. بیشترین داده‌های به‌دست آمده از این محوطه را داده‌های سفالی، آجر و سازه‌های معماری در بر می‌گیرند (همان، ۱۳۹۵: ۱).

با توجه به این‌که داده‌های مورد مطالعه در این پژوهش بیشتر شامل قطعات سفالی هستند، بدیهی است که بخش عمده‌ای از نقوش به‌صورت ناقص و یا ناخوانا بوده و در مواردی تطبیق کامل نمونه‌ها میسر نشد؛ لذا نتایج قیدشده در این مقاله مطلق نبوده و ممکن است بر اساس یافته‌های آتی تغییراتی داشته باشند.

تاریخی شهرستان سربیشه و سایر شهرستان‌های استان خراسان جنوبی صورت نگرفته است. این پژوهش که در نوع خود برای اولین بار در استان خراسان جنوبی صورت پذیرفته، علاوه بر وجه پژوهشی و میدانی بودن مراحل انجام، توانسته است جنبه کاربردی نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی را با صنایع دستی تطبیق داده و دستاوردهای علمی و تحقیقاتی تازه‌ای ارائه نماید.

### روش پژوهش

در این پژوهش با توجه به اهداف تعیین‌شده از جمله؛ مقایسه نقوش اشتراکی و تعیین پیشینه تقریبی تولیدات سنتی بومی در محدوده مورد بحث و هم‌چنین شناسایی و گردآوری نقوش به‌کار رفته، از بررسی تطبیقی به‌روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. جهت انجام پژوهش، علاوه بر بانک داده‌های سفالی (بیش از ۳۰۰۰ قطعه سفال) و گزارش‌های باستان‌شناسی کاوش‌های صورت‌گرفته در محوطه باستانی کهنک، نقوش دست‌بافته‌های معاصر روستاهای شهرستان سربیشه تا شعاع ۵۰ کیلومتری -دامنه انتخابی حداکثر تأثیرپذیری- محوطه مذکور، که از لحاظ فراوانی جمعیت، پیشینه و قدمت شاخص‌تر بودند، از جمله روستاهای نازدشت، همت‌آباد، کندرود، تاجمیر، زولسک، شیرگ آغا، درویش‌آباد، کلاته کرمانی، کلاته پدران، کیوگز، اسکینونگ و ... مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند.

برای شناخت آسان‌تر و تطبیق بهتر نقوش، دسته‌بندی آنها بر اساس منشأ نقش صورت پذیرفت؛ بر اساس آن، نقوش به زیرشاخه‌های گیاهی، جانوری، انسانی، اشیا و سایر پدیده‌ها تقسیم‌بندی شدند. هم‌چنین، اسامی بومی و محلی نقوش دست‌بافته‌های معاصر و تشابه وجه تسمیه آنها با نقوش مورد نظر، در این فرآیند مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

### معرفی تاریخی و اقلیمی شهرستان سربیشه

شهرستان سربیشه به مرکزیت شهر سربیشه با مساحتی معادل ۸۲۵۱ کیلومتر مربع در شرق ایران، حاشیه شمال شرقی دشت لوت و جنوب شرقی شهرستان بیرجند واقع شده است. این شهرستان از شمال به شهرستان درمیان، از غرب به شهرستان‌های بیرجند و خوسف، از جنوب به شهرستان نهبندان و از شرق به کشور افغانستان محدود بوده و طول مرز مشترک آن با کشور افغانستان حدود ۱۱۰ کیلومتر است (هاشمی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵). این شهرستان در حال حاضر دارای سه بخش مرکزی، مود و دُرُج بوده و یکی از ۱۱ شهرستان استان خراسان جنوبی است که تا قبل از تقسیمات سیاسی سال

## بررسی تطبیقی نقوش

هنگامی که سفال، گلیم یا هر متن دارای کیفیات بصری و تجسمی وارد مقوله هنر شود، منجر به ثبت پیام‌ها، خواسته‌ها، نیازها، دادن اطلاعات و در حقیقت انتقال اندیشه می‌شود. با مطالعه نقوش و نحوه ارائه آنها و همچنین سایر گزینش‌های مطالعاتی، می‌توان به سیر تحول افکار و اندیشه‌ها، میزان تأثیرگذاری محیط طبیعی و ارائه هنرمندی سازندگان و بسیاری نیازهای مطالعاتی و تحقیقاتی جامه عمل پوشاند. از آنجا که منشأ بهره‌وری از این نقش و نگاره‌ها دارای پیشینه مکتوبی نیست و طی نسل‌های پیاپی، نام هر نقش یا طرح از استاد به شاگرد، از مادر به دختر، از بافنده‌ای به بافنده بعد و از سینه‌ای به سینه دیگر نقل شده، بدیهی است که به دلیل زبان‌ها و لهجه‌های بسیار گوناگون، اسامی مختلفی بر یک نقش گذاشته شده و به مرور زمان هر روش آموزشی که کاملاً متکی بر کلام بود، ناگزیر دستخوش تغییر، تحریف و برداشت‌های اشتباه از تعبیر و معانی شده است (هال و لوجیک و یووسکا، ۱۳۷۷: ۶۵).

بیشترین نقوش بررسی شده در سفالینه‌های مکشوفه از محوطه کهنک، بر روی قسمت بالایی بدنه ظروف و لبه آنها بوده که اغلب شامل کوزه، خمره، کاسه، لاوک<sup>۲</sup> بشقاب، تنگ و هم‌چنین درپوش هستند.

نتایج حاصله از مطالعات میدانی انجام شده بر روی نقوش، مؤید آن است که غالب نقش‌مایه‌های به‌کار رفته در این نمونه‌ها از نقوش طبیعی بوده که به شکل ساده یا ترکیبی در کنار یکدیگر آرایش و نظم یافته‌اند.

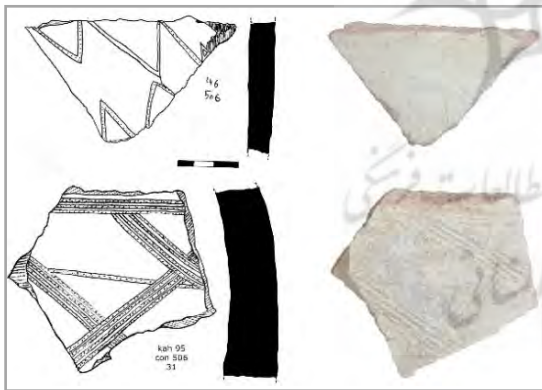
## ساختار نقوش

الهام‌پذیری از طبیعت، تأثیر فراوانی در شکل‌گیری و دریافت طرح‌ها و نقوش بر سفالینه‌ها داشته است. از ویژگی‌های ساختاری این نقوش، تکرار الگوها با انجام ریتم و تقارن است. در واقع تکرار، عامل تکثیر، حیات، تقارن و نیز موجب تعادل و ایجاد آرامش و ثبات است. نقوش سفالینه‌های کهنک در نهایت سادگی و با ابزار ساده دست‌ساز و به ترتیب فراوانی با تکنیک‌های کنده، نقاشی با گل‌آخرا، قالبی، نقاشی زیرلعابی و رولعابی و نقش افزوده اجرا شده‌اند.

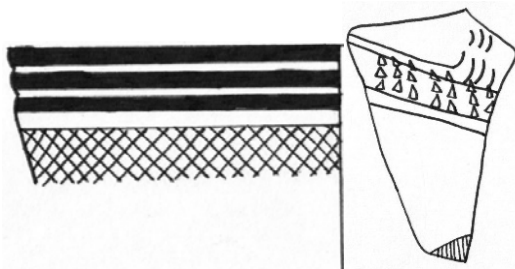
استفاده از خطوط راست (عمودی و افقی)، مورب، موازی، متقاطع و نقطه‌چین، شاید ابتدایی‌ترین شیوه تزئین ظروف سفالی بوده باشد؛ زیرا هم ساده‌ترین شکل‌ها را داشته و هم مناسب‌ترین نمونه مکرر سازی و به‌دست آوردن مهارت در این راه بوده است (شکل ۱) (ضیاءپور، ۱۳۵۳: ۳). نقوشی که بر روی سفالینه‌های محوطه کهنک به‌دست آمده،

ارتباط تنگاتنگی با نقوش گلیم و قالیچه‌های منطقه دارند. از مهم‌ترین آنها می‌توان به فرم‌های مثلث و مربع و ترکیبات آنها اشاره نمود که به‌طور فراگیر در نقوش دست‌بافته‌ها به‌ویژه گلیم، حاشیه قالیچه‌ها و نقوش سفال منطقه یافت می‌شوند (اشکال ۲ و ۳). از آنجایی که این نقوش بیشترین سهم را در ترکیبات نقوش سفالینه‌ها و دست‌بافته‌ها دارند، به‌سادگی نمی‌توان از کنار آنها گذشت و آن را به‌عنوان یک شکل صرفاً تزئینی قلمداد نمود، بلکه توجه به ریشه‌های نمادین آن نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. مثلث متساوی‌الاضلاع، بیانگر الوهیت، هماهنگی و تناسب است. این نماد، به عدد سه اشاره داشته و هر یک از انواع مثلث با عنصری خاص پیوند دارد؛ مثلث متساوی‌الاضلاع با زمین، مثلث قائم‌الزاویه با آب، مثلث مختلف‌الاضلاع با هوا و مثلث متساوی‌الساقین با آتش در ارتباط است (هوهنه‌گر، ۱۳۷۶: ۶۶-۶۴).

عناصر چهارگانه خاک، باد، آب و آتش از دیرباز مورد توجه اقوام مختلف بوده، با اشکال مختلف نمادپردازی شده و نقشی اساسی در تعیین سرنوشت ملت‌ها داشته‌اند. زمین، منبع کشاورزی و ارتزاق؛ آب، مایه حیات و جاودانگی؛ باد، موجب پراکنده شدن ابرها در زمین و ریزش باران و آتش، عنصری مقدس محسوب می‌شده که همیشه موجب احترام و توجه آیین‌های مختلف بوده و نقشی اساسی در زندگی



شکل ۱. نقوش با ساختار هندسی ساده در سفال‌های محوطه کهنک (نگارندگان)



شکل ۲. نقوش با ساختار هندسی مثلث و مربع در سفال کهنک (نگارندگان)

نقوش یادشده، در قالب گروه‌های تصویری زیر طبقه‌بندی شده و قابل شناسایی هستند:

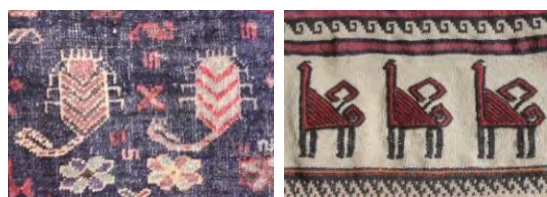
### نقوش انسانی

هیچ‌گونه نقش انسانی در میان اشکال سفال این منطقه دیده نمی‌شود. عدم استفاده از نقوش انسانی، بی‌گمان محدودیت‌های اسلام در بازنمایی صورت و پیکر و در عوض، علاقه‌ای نسبت به تکرار انحنایها و زوایا و اعداد و از جمله اشکال گوناگون عدد پنج، پنج تن، پنج انگشت، دست حضرت فاطمه (س) و در مواردی، پنج اصل مورد پذیرش مذهب شیعه را به وجود آورده است. گرچه نگاره‌ها به‌مرور زمان معانی خود را از دست داده، با این وجود در فرهنگ و سنت قبیله، جایگاه ویژه خود را حفظ می‌کنند (هال و لوچیک ویووسکا، ۱۳۷۷: ۶۹). اگر هم در برخی نقوش قالیچه‌ها به نقوش انسانی برمی‌خوریم، آن‌قدر استریلیزه و هندسی شده‌اند که با شکل واقعی آن کاملاً متفاوت بوده و نقش، جنبه تزئینی گرفته است و یا اگر تا حدودی واقع‌گرایانه اجرا شده، نحوه رنگ‌گذاری اجزای پیکره‌نما و ترکیب‌بندی و قرارگیری در بین نقوش گیاهی و جانوری به‌گونه‌ای بوده که از ارزش‌گذاری ویژه انسانی آن کاسته و بر ویژگی نقشی و روایت‌گرانه آن تأکید شده است (شکل ۴). پیکر انسان، به‌معنی انتظار برای نوزاد و هم‌چنین به‌مفهوم گرمی‌داشت یاد در گذشتگان است (همان: ۷۷).

### نقوش جانوری

در بین نقوش جانوری، نقوش پرندگان از جمله انواع مرغ و خروس، طاووس، مرغابی، کبوتر در اکثریت و نقوش جانوران اهلی منطقه شامل بز، شتر و نقوش جانوران وحشی از قبیل آهو، شیر، مار و نقوش سایر جانوران هم‌چون پروانه، عقرب و ... به‌ترتیب در اولویت‌های بعدی دیده می‌شوند (شکل ۵). بر خلاف نقوش انسانی، نقوش جانوری بالأخص پرندگان بر روی قالیچه‌های ذهنی‌باف، هم به‌صورت تجریدی و هندسی و هم به‌صورت ماهرانه‌ای طبیعت‌گرایانه و یا نزدیک به واقعیت، طراحی و اجرا شده‌اند.

بر روی سفالینه‌های به‌دست آمده، جز در مواردی که به‌دلیل تشابه نقشی و وجه تسمیه نقوش می‌توان دلیلی بر



شکل ۵. نقوش از راست به چپ: شتر و عقرب (نگارندگان)

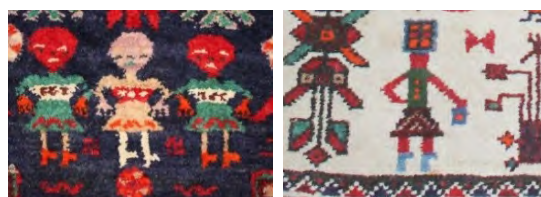
انسان داشته است (موسوی حاجی و پیری، ۱۳۸۸: ۷۶). استفاده از نقوش زاویه‌دار و فرم‌های مثلث در گلیم و قالیچه‌ها و سفال‌های شهرستان سربیشه همانند نقوش قالی سیستان و سفال‌های شهر سوخته، علاوه بر این که اثبات تداوم و تعامل نقوش مناطق هم‌جوار را به اثبات می‌رساند، می‌تواند دلیلی بر شرایط مشابه آب‌وهوایی و تأثیرات محیط زندگی بر افکار و اعمال هنرمند باشد. کاربرد نقوش‌های مثلث در ترکیبات مورب، خطوط پله‌دار، زنجیره‌ای و هم‌چنین نقوش لوزی و مربع در اشکال مورب و قرینه و مجموعه‌های هندسی بزرگ و کوچک و ترکیبات زیبای این نقوش با یکدیگر برای تشکیل نقوش طبیعی انتزاعی، علاوه بر پویایی این نقوش و کیفیت آنها، زیبایی و تأثیرگذاری آن بر ذهن مخاطب را دو چندان می‌کند (شکل ۳).

### منشأ نقوش

نقوشی که هنرمند در محیط اطراف خود مشاهده کرده و یا در زندگی روزمره با آنها مواجه بوده، به‌زیبایی هر چه تمام در تصاویر بازنمایی شده و توسط هنرمند سفالگر یا بافنده، با تصورات ذهنی او تجلی یافته‌اند. این نقوش اغلب تجریدی و گاهی نزدیک به واقعیت، در نقوش دست‌بافته‌های منطقه بالأخص قالیچه‌ها دیده می‌شوند. نقوش قالیچه‌ها و گلیم منطقه، مملو از رنگ‌های تیره و گرم بوده و وجود پرندگان از قبیل مرغ و خروس و جانورانی از جمله گوسفندان، آهو، سگ، مار و کرم خاکی به‌همراه بوته‌های کوبیری و درختچه‌های اطراف محل سکونت آنها و نمایش شب‌های پرستاره کوبیر و میوه‌های بومی این نواحی که انگور از مهم‌ترین آنها است، با ساده‌ترین و انتزاعی‌ترین شکل ممکن نشان داده شده‌اند. اما در سفالینه‌ها، این تنوع بسیار کم و تا حد زیادی به‌سمت تجریدی شدن و ساده شدن فرم‌ها تا سرحد ممکن پیش رفته است.



شکل ۳. نقوش مثلث و مربع در گلیم و قالیچه‌های سربیشه (نگارندگان)



شکل ۴. نقوش انسانی در قالیچه‌های سربیشه (نگارندگان)

می‌شوند (همان: ۷۳). این نگاره با اسامی و اشکال مختلفی هم‌چون علی دیبونه (علی دیبوانه)، اژدهار (اژدها)، شیرقلاّب و ...، یکی از پرکاربردترین نقوش در قالیچه‌ها و گلیم‌های شهرستان سربیشه و سایر نواحی استان خراسان جنوبی است، اما در سفالینه‌های محوطه کهنک یافت نشد (شکل ۹). ایرانیان برای بز کوهی و جانوران شاخ‌دار دیگر، نیروی جاودانه قائل بودند (پوپ، ۱۳۸۰: ۱۵). نیروی جاودانگی شاخ‌های قوچ، مظهر مردانگی، باروری نرینه، قدرت و شجاعت است و گمان می‌رود که این نگاره، از نقش مارپیچی که نشانه جاودانگی است سرچشمه گرفته باشد (شکل ۱۰) (هال و لوچیک و یووسکا، ۱۳۷۷: ۷۵).

### نقوش گیاهی

نقوش با منشأ گیاهی بر روی سفال‌های کهنک، گلیم‌ها و قالیچه‌های ذهنی باف این منطقه، گویای آن هستند که این دسته از نقوش، بیشتر شامل انواع گل‌های سه، چهار، پنج و هشت پر به‌صورت پراکنده در بدنه سفالینه‌ها و یا بر روی قالیچه‌ها به‌صورت ساقه‌دار در داخل گلدان یا به‌شکل بوته‌هایی از زمین روییده‌اند. هم‌چنین، گل‌های دایره‌ای شکل که دارای گلبرگ‌های گرد یا قلبی بوده، اغلب با تعداد گلبرگ زوج خودنمایی می‌کنند. انواع برگ و بوته‌های کویری و درختچه‌ها نیز بر تنوع نقوش متن قالیچه‌ها تأثیر گذاشته و محیطی باغ‌مانند را جلوه‌گر نموده‌اند. نحوه ترکیب‌بندی قالیچه‌های سربیشه به‌شکل ترنج مرکزی و یا چند ترنجی و قرار دادن نقوش موجی شکل و جانوران آبی در داخل این ترنج‌ها یا در کنار آن، خود دلیلی بر اهمیت نقش آب در سرسبزی و زندگی بخشی به محیط اطراف است. در قالیچه‌ها با طرح هندسی و گلیم‌ها، نقوش گیاهی با تکرارهای منظم و هماهنگ به‌صورت قرینه‌های انتقالی، انعکاسی و یا قرینه معکوس در حاشیه و متن دیده می‌شوند.



شکل ۷. دو نمونه از نقوش پروانه در قالیچه‌های سربیشه (نگارندگان)



شکل ۹. از راست به چپ: اژدها- شیرقلاّب (نگارندگان)

ارتباط نقش مورد نظر با پرندگان یافت، موارد قابل تشخیص دیده نمی‌شوند. از جمله این نقوش می‌توان به چنگ آچل مرغ (چهل مرغ) اشاره نمود. عدد چهل، به تعداد بالای نگاره‌های مرغ اشاره دارد که نقشی رایج بر روی گلیم‌ها و قالیچه‌های منطقه بوده و بر روی تعداد اندکی از قطعات سفالین کشف‌شده شناسایی شد (شکل ۶).

نقوش حشرات از جمله پروانه و عقرب، بر روی سفال‌های محوطه کهنک شناسایی نشدند. پروانه در قالیچه‌ها و گلیم‌های سربیشه، به‌شکل نقش مایه‌ای با دو مثلث کامل یا گوشه بریده است که از محل یک رأس یا گوشه بریده به هم چسبیده‌اند و گاه پروانه با تزئینات ریز هم می‌آید (شکل ۷) (حصوری، ۱۳۷۱: ۶۳).

نقوش جانوری نیز تا حدی اندک بر روی ظروف سفالی قابل‌رؤیت هستند. بر مبنای تطبیق و وجه تسمیه نقوش دست‌بافته‌های داری منطقه با نقوش سفالینه‌ها، بیشتر این اشکال، به بخشی از بدن یا نشانه‌هایی از یک جانور دلالت دارند. البته این گفته، بر اساس یافته‌ها و جامعه آماری تحقیق بوده و ممکن است در کاوش‌های آتی مواردی به‌دست آیند که نقوش یادشده، به‌صورت کامل‌تر یا طبیعت‌گرایانه‌تری به‌کار رفته باشند.

طیف نقوش جانوری در سفالینه‌های مکشوفه از محوطه کهنک، بسیار نادر بوده و در قالب نقوش هندسی و تجربی از جمله کج‌مار (کژمار)، پیچ شاخ‌دار، کجک (کرمک)، دم لوکی<sup>۴</sup> (اُشترپیچ)، خرچنگ (احتمالاً) و ... (شکل ۸)، به‌صورت بسیار انتراعی و به‌شکل توالی نقوش و یا موتیف‌های پراکنده بر روی بدنه سفال‌ها نمایان می‌شوند. نگاره‌های اژدها که پایه آن شکل S است، به نقوش پیچیده و تکرار شونده‌ای تکامل یافته و مورد پسند همگان قرار گرفته که البته در دست‌بافته‌های همه ترک‌زبانان و بلوچ‌ها نیز دیده



شکل ۶. چنگ چهل مرغ (نگار) در گلیم و سفال منطقه (نگارندگان)



شکل ۸. نقوش از راست به چپ: دم لوکی و کجک (نگارندگان)

لوچیک ویووسکا، ۱۳۷۷: ۷۳ و ۷۷). نقوش موسوم به کوهه، ماه و کنگره، از جمله معروفترین نقوش گلیم و قالیچه در منطقه بوده که بر روی سفالینه‌های کهنک مشاهده شده‌اند. نقش خطوط موج‌دار، از دیگر نقوش مشترک مورد استفاده در دست‌بافته‌ها و سفال‌های کهنک سربیشه است که معمولاً در حاشیه گلیم و قالیچه‌های سربیشه و بر روی سفال‌های کهنک به‌وفور یافت می‌شود. علامت موج‌دار می‌تواند نشانه‌ای از بیان آب باشد. با توجه به اهمیت این مایع حیاتی و نقش سرنوشت‌ساز آن در تشکیل تمدن‌های اولیه، بدیهی است که هنرمندان از طرق مختلف، به نقش‌پردازی و تکریم و تقدیس آب پرداخته و به نمادپردازی آب به‌عنوان مظهر جاودانگی و تداوم حیات، توجه ویژه نشان دهند.

کارچک (کنگره)، نقش‌مایه یا حاشیه‌ای به‌شکل دندانان که اغلب به‌صورت مثلث‌های متداخل دو رنگ درمی‌آید و بیشتر بر روی حاشیه قالیچه‌ها و گلیم‌ها نمایان می‌شود (حصوری، ۱۳۷۱: ۷۷)؛ این نقش، بر روی سفالینه‌های کهنک قابل تشخیص است (شکل ۱۴).

دست و انگشت، نمادهای باروری و شانه، نشانگر تمایل به ازدواج و مصون داشتن خانواده و نوزادان از چشم‌زخم است (شکل ۱۵) (هال و لوچیک ویووسکا، ۱۳۷۷: ۷۷). این نقش‌ها؛ بالأخص نقش شانه در قالیچه‌های سربیشه، از تعدد بالایی برخوردار بوده‌اند و نقش دست هم بیشتر بر روی قالیچه‌ها با طرح جانمازی و محرابی دیده می‌شود.

از دیگر نقوش شناسایی شده بر روی سفال‌های کهنک و قالیچه‌های شهرستان سربیشه، درخت کاج است (شکل ۱۱). این نقش، بسیار به نقش برگ درخت موز که به‌طور گسترده در سفال‌های شهر سوخته، سفال‌های دوران اسلامی و در قالی معاصر سیستان نیز مشاهده می‌شود، شبیه است (موسوی حاجی و پیری، ۱۳۸۸: ۸۵).

### نقوش اشیا

این نقوش نسبت به نقوش انسان، از فراوانی بالاتری برخوردار بوده و شامل وسایل کاربردی زندگی و تزئینی روزمره از جمله ابزار کار بافندگی از قبیل بندپاکی (شانه بافندگی)، بند شمشیر، بازوبند (شکل ۱۲)، دندان اره، قندبر، گلدان، آفتابه و ... هستند.

### نقوش سایر پدیده‌ها

این گروه از نقوش، طیف وسیعی را در بر گرفته و بیشتر، نقوش ملهم از طبیعت نظیر ماه (شکل ۱۳)، ستاره، خورشید، آب، کوه، رودخانه و ... را شامل می‌شوند.

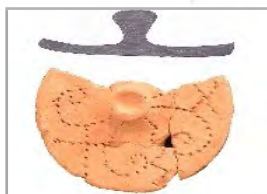
ستاره، پسن‌دیده‌ترین نگاره است و به صورت‌های گوناگون در همه نوع دست‌بافت گلیمی مشاهده می‌شود و مبنای آن، نقش مایه هشت‌گوشی به‌شکل دو چلیپای ساده بوده و از نقش‌مایه‌های مثلی و الماسی‌شکل کنگره‌ای یا پلکانی پدید می‌آید. ستاره به‌طور کلی نشانه شادمانی است (هال و



شکل ۱۱. نقش درخت کاج یا برگ درخت موز در قالیچه و سفال منطقه (نگارندگان)



شکل ۱۰. از راست به چپ: شاخ‌دار - چنگک (نگارندگان)



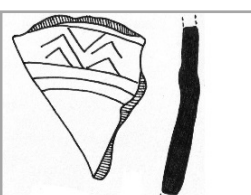
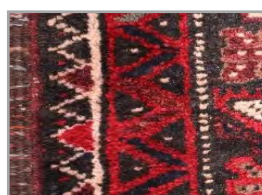
شکل ۱۳. نقش ماه بر روی سرپوش سفالی کهنک و قالیچه (نگارندگان)



شکل ۱۲. نقوش از راست به چپ: بازوبند - بند شمشیر (نگارندگان)



شکل ۱۵. نقوش از راست به چپ: دست و شانه (شاخ‌دار) (نگارندگان)



شکل ۱۴. تطبیق نقش کنگره در نمونه‌های سفال و قالیچه (نگارندگان)

محوطه کهنک و گفتگو با باستان‌شناسان اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی، این فرض قوت گرفت که تزئینات برخی از سفالینه‌ها مشابه با گونه‌های سفال نیشابور هستند. با مشاهده تعدادی از نقوش سفال‌های نیشابور از جمله کاسه‌ها و بشقاب‌های لعابی قرون ۳ و ۴ هجری قمری (جدول ۲)، تعدادی از موارد عدم تطبیق یافت شدند. این نقوش، بیشتر دواير متحدالمرکز و تزئینات دایره‌ای در زمینه‌های هندسی و هم‌چنین نقوش شبه کوفی بوده که بسیار به خطوط کوفی ظروف نیشابور شباهت داشته‌اند و به نظر می‌رسد تقلیدی کورکورانه از روی نمونه‌های آن ناحیه باشد.

با اندکی تأمل در نمونه‌های بررسی شده می‌توان دریافت که استفاده از نقوش به کار رفته، در عین سادگی و تجریدی بودن، گزینشی بوده و تکرار آنها در سفالینه‌ها و دست‌بافته‌ها، مبین این موضوع و فلسفه اعتقادی نهفته در آن است. به‌طور کلی، نقش‌مایه‌های ظروف سفالین کهنک را نقوش ساده یا ترکیبی و تجریدی گیاهی، جانوری و نقوش ملهم از پدیده‌های طبیعی تشکیل می‌دهند که اهم آنها با نقوش گلیم و قالیچه‌های شهرستان سربیشه مقایسه شده و تطبیق داده شده‌اند (جدول ۱).


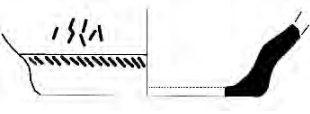



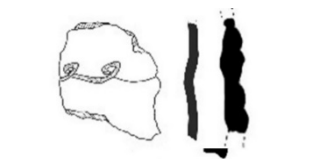

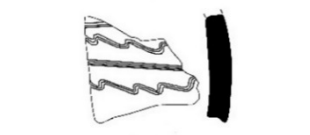



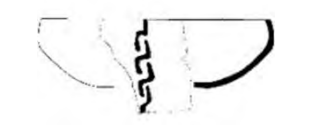


برخی از نقوش سفال‌های بررسی شده با توجه به این که هم‌خوانی و مشابهت با نقوش گلیم و قالیچه منطقه نداشته، به نظر می‌رسد که اقتباسی یا وارداتی سایر مناطق کشور باشند. با این فرضیه و بررسی گزارش‌های باستان‌شناسی

جدول ۱. تطبیق نقوش پرکاربرد سفالینه‌های محوطه کهنک و دست‌بافته‌های معاصر شهرستان سربیشه

تطبیق نمونه‌ها		نقوش دست‌بافته‌های گلیم و قالیچه سربیشه		نقوش سفال محوطه کهنک سربیشه				
ساختار نقش	منشأ نقش					نام نقش	تصویر نقش	تصویر نقش
	ساده	پدیده‌ها	اشیا	انسانی	جانوری			
	*	*				کوهه (گل بر)		
*					*	خمار چشم		
	*				*	کرمک		
*					*	سینک		



ادامه جدول ۱. تطبیق نقوش پر کاربرد سفالینه‌های محوطه کهنک و دست‌بافته‌های معاصر شهرستان سریشه

تطبیق نمونه‌ها						نقوش دست‌بافته‌های گلیم و قالیچه سریشه		نقوش سفال محوطه کهنک سریشه
ساختار نقش		منشأ نقش				نام نقش	تصویر نقش	تصویر نقش
ترکیبی	ساده	پدیده‌ها	اشیا	انسانی	جانوری			
	*					ساده		
	*	*				موج (چونک)		
	*				*	دندان گرگ		
	*	*				کج بلوچی		
	*				*	گل چهار پر		
	*				*	اُشترپیچ (دم لوکی - راه بند)		
	*				*	چشم بلبلی (چشک)		

ادامه جدول ۱. تطبیق نقوش پرکاربرد سفالینه‌های محوطه کهنک و دست‌بافته‌های معاصر شهرستان سربیشه

تطبیق نمونه‌ها		نقوش دست‌بافته‌های گلیم و قالیچه سربیشه		نقوش سفال محوطه کهنک سربیشه				
ساختار نقش	منشأ نقش					نام نقش	تصویر نقش	تصویر نقش
	ترکیبی	ساده	پدیده‌ها	اشیا	انسانی			
	*					اره تاج‌دار (پیچ اسب)		
	*					گل		
	*	*				ماه پره زمین		
	*					سیبک گل چهارطرفه		
	*	*				ستاره		
	*	*				پیچ پیچ		

(نگارندگان)

مشخصات	نقش سفال نیشابور	نقش سفال محوطه کهنک سرپیشه
<p>کاسه سفالی منقوش نیشابور، قرون ۳ و ۴ هجری قمری (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۱۱۱)</p>		
<p>بشقاب منقوش سفالین با لعاب زرین فام نیشابور، قرن ۴ هجری قمری (قوچانی، ۱۳۸۴: ۵۳)</p>		
<p>کاسه سفالی منقوش نیشابور، قرون ۳ و ۴ هجری قمری (همان: ۶۵)</p>		
<p>کاسه سفالی منقوش نیشابور، قرن ۴ هجری قمری (گروبه، ۱۳۸۴: ۸۰)</p>		
<p>کاسه سفالی منقوش نیشابور، قرون ۳ و ۴ هجری قمری (Wilkinson, 1897: 44)</p>		

(نگارندگان)

## نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام‌شده میدانی و مشاهدات عینی نقوش دست‌بافته‌های ذهنی عشایر بلوچ بهلولی و روستاهای منطقه در اطراف محوطه تاریخی کهنک تا شعاع ۵۰ کیلومتری و بررسی بیش از ۶۰ نوع دست‌بافته قالیچه و گلیم در انواع خورجین، نمکدان، زیرانداز، سرانداز و دیگر نمونه‌های موجود در منطقه، این نتایج حاصل شدند: بیشترین نقوش کاربردی و تطبیق داده شده در سفالینه‌ها و دست‌بافته‌های مفروضه، شامل نقوش هندسی و تجریدی گیاهی، جانوری، سایر پدیده‌ها و اشیا بوده و نقوش انسانی جز در دست‌بافته‌ها، در سفالینه‌های کهنک قابل‌شناسایی نیستند.

یافته‌های تحقیق، حاکی از وجود اشتراکات نقش‌مایه‌ای در دست‌بافته‌های این شهرستان با سفالینه‌های کهنک هستند. برخی از نقوش ملهم از جانوران و گیاهان به‌لحاظ چگونگی اجرا، شکل، نوع و هم‌چنین طرز قرارگیری نقش، به همان فرمی که در قالیچه‌ها طراحی شده، بر روی سفال‌ها نیز دیده می‌شوند. استفاده از نقوش و فرم‌های مشابه در سفال و دست‌بافته‌های منطقه سربیشه، نشان از تداوم و پیوستگی فرهنگی این منطقه و هم‌چنین شرایط زیست‌محیطی، اعتقادات و باورداشت‌های آنها دارد. هر چند به‌جرات می‌توان گفت که هنرمند گلیم‌باف و قالیچه‌باف معاصر سربیشه، سفالگر و نقوش سفال‌های کهنک را ندیده است، اما پیوستگی نقوش، تداوم و پیوستگی فرهنگی بومیان این منطقه را در طی ادوار تاریخی به اثبات می‌رساند.

با توجه به تطبیق نقوش به‌دست آمده، می‌توان نتیجه گرفت که تداوم این نقوش از قرون سوم و چهارم هجری تا کنون ادامه داشته و اقوام و عشایر مختلف منطقه؛ چه ساکنین قدیم محوطه باستانی کهنک و چه ساکنین معاصر شهرستان سربیشه، الهامات ذهنی و وجوه اشتراک زیادی در تأثیرات بصری از محیط پیرامون و نحوه ارائه و بیان این نقوش بر روی آثار تولیدی خود داشته‌اند.

با توجه به این که در تطبیق برخی از نقوش سفالینه‌های منطقه، مشابه بومی پیدا نشد، لذا بنا بر فرض وارداتی بودن این نقوش و بررسی‌های تطبیقی صورت‌گرفته، مشخص شد منشأ آنها با گونه‌های سفال نیشابور ارتباط دارند. اما این که هنرمندان کهنک این طرح‌ها را خود بر روی سفال‌های دست‌ساخت، با لعاب یا بدون آن اجرا کرده و یا ظروف مکشوفه، وارداتی بوده‌اند، نیازمند پژوهش‌های کانی‌شناسی و منشأیابی است.

با توجه به خشکسالی‌های پی‌درپی در استان خراسان جنوبی و مهاجرت روستاییان به شهرها یا روستاهای هم‌جوار، افزایش سن و سال بومیان روستا و کاهش دامداری در منطقه، وجود واسطه‌گران و دلالان و تقاضای بافت نقوش جدید، تولید دست‌بافته‌های منطقه کاهش چشمگیری یافته و نقوش سنتی و بومی منطقه به‌شدت در معرض آسیب هستند؛ لذا پیشنهاد می‌شود برای حفظ اصالت‌های بومی و نقوش تاریخی منطقه، بانک اطلاعات نقوش بومی و نقشه‌ها و طرح‌های اصیل صنایع دستی شهرستان سربیشه و سایر شهرستان‌های استان خراسان جنوبی تهیه شود. از طرفی، عدم استفاده از نقوش انسانی و برخی نقوش جانوری در سفال‌های کهنک و هم‌چنین ارتباط موقعیت اجتماعی و اقتصادی مردمان منطقه، معیشت آنها، وضعیت اقلیمی و پوشش گیاهی این ناحیه با نوع تزئینات نقوش و سادگی آن، می‌تواند در پژوهش‌های دیگری مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند.

## پی‌نوشت

۱. Bohlouli (در گویش جنوب خراسان Bahlouri رایج است) - بنا بر صحیح‌ترین نقل قول: طایفه بهلولی در زمان نادرشاه افشار، از فارس به منطقه نوار شرقی کشور کوچ کرده‌اند. در این کوچ، سه برادر به نام‌های افضل، ساران و بهلول بوده که افضل در شمال خراسان (سرخس)، بهلول در قهستان و ساران در جنوب خراسان سکنی گزیده بودند. افضل در جوانی کشته می‌شود، از ساران، طایفه سارانی به‌وجود آمده که بر اثر تماس با طایفه بلوچ، به فرهنگ، مذهب و آداب طوایف بلوچ گرایش پیدا کرده‌اند و بهلول که مرد غیور و جنگجو بود، توانست حد فاصل شهرهای خواف، تایباد، قاین، بیرجند و نهبندان را تحت سیطره خود درآورد (بسکابادی و دیگران، ۱۳۷۵: ۹ و ۱۰).  
۲. لاوک /lāvāk/ در فرهنگ فارسی عمید، ظرف بزرگی که در آن خمیر کنند؛ تغار. در این منطقه، لاوک‌های سفالین به‌دست آمده اغلب مستطیل‌شکل هستند (URL: 1).

۳. چنگ [ چ ] (۱) منقار جانوران (لغت‌نامه دهخدا) (URL: 2)

۴. شتر لوک (ش' ت' ر) (ترکیب اضافی، مرکب) نام نوعی شتر کم موی بارکش است (لغت‌نامه دهخدا) (Ibid)

## منابع و مآخذ

- آیتی، محمد حسین (۱۳۷۱). *بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*. چاپ دوم، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- برازنده مقدم، طوبی (۱۳۹۲). *شناخت و بررسی گلیم خراسان جنوبی*. پایان نامه کارشناسی ارشد صنایع دستی. تهران، دانشگاه الزهرا.
- بسکابادی، علی اکبر و دیگران (۱۳۷۵). *اوضاع اجتماعی زیست بوم*. جلد دوم (گزارش). مشهد: اداره کل امور عشایر خراسان رضوی.
- پوپ، آرتور اپهام (۱۳۸۰). *شاهکارهای هنر ایران*. ترجمه پرویز ناتل خانلری، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- حصوری، علی (۱۳۷۱). *فرش سیستان (تک مضمونی های فرش - ۱)*. چاپ اول، تهران: فرهنگان.
- حیدری، نوذر (۱۳۸۸). *طبقه بندی، گونه شناسی و مقایسه گونه شناختی ۳۰۰۰ قطعه سفال نخودی شهر سوخته سیستان*. پایان نامه کارشناسی ارشد باستان شناسی. زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- زارعی، علی (۱۳۹۳). *گزارش فصل اول کاوش های باستان شناسی محوطه کهنک سربیشه*. خراسان جنوبی، بیرجند: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی.
- شاه بیگی، مرتضی (۱۳۸۸). *بررسی و تحلیل نقوش گلیم های خراسان جنوبی*. پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر. تهران: دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- ضیاء پور، جلیل (۱۳۵۳). *نقوش زینتی در ایران زمین از کهن ترین زمان تا دوره مادها*. چاپ اول، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۸۹). *شناخت تاریخی طایفه بهلولی و تعاملات سیاسی آنها در عصر پهلوی*. چاپ اول، تهران: رزقی.
- فرجامی، محمد (۱۳۹۶). *بررسی باستان شناختی شهرستان سربیشه*. چاپ اول، خراسان جنوبی، بیرجند: چهاردرخت.
- فرجامی، محمد و محمودی نسب، علی اصغر (۱۳۹۳). *فصل دوم کاوش باستان شناختی محوطه کهنک سربیشه*. گزارش پژوهشی. خراسان جنوبی، بیرجند: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). *فصل سوم کاوش باستان شناختی محوطه کهنک سربیشه*. گزارش پژوهشی. خراسان جنوبی، بیرجند: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). *فصل چهارم کاوش باستان شناختی محوطه کهنک سربیشه*. گزارش پژوهشی. خراسان جنوبی، بیرجند: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی.
- قوچانی، عبدالله (۱۳۸۴). *کتیبه های سفال نیشابور*. چاپ اول، تهران: موزه رضا عباسی.
- کریمی، فاطمه و کیانی، محمد یوسف (۱۳۶۴). *هنر سفالگری دوره اسلامی ایران*. چاپ اول، تهران: مرکز باستان شناسی ایران.
- گروه، ارنست ج (۱۳۸۴). *سفال اسلامی*. ترجمه فرناز حایری، چاپ اول، تهران: کارنگ.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۰). *باستان شناسی و سفال*. مجله باستان شناسی و تاریخ، سال پنجم (۲)، ۱۳-۴.
- موسوی حاجی، سید رسول و پیری، علی (۱۳۸۸). *بررسی تطبیقی نقوش قالی سیستان با نقوش سفال نخودی شهر سوخته*. فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن علمی فرش ایران (گلجام)، ۵ (۱۳)، ۸۶-۷۳.
- نجاتی، بهناز؛ ناصری، اکرم و درستکار، الهام (۱۳۹۱). *جغرافیا و تاریخ شهرستان های استان خراسان جنوبی*. گزارش پژوهشی. بیرجند: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی.
- هاشمی زاده، سید عبدالحسین (۱۳۸۵). *سربیشه گوهر ناشناخته کویر*. چاپ اول، مشهد: نی نگار.
- هال، آلستر و لوچیک ویووسکا، جوزه (۱۳۷۷). *گلیم*. ترجمه شیرین همایونفر و نیلوفر الفت شایان، چاپ اول، تهران: کارنگ.
- هوهنه گر، آلفرد (۱۳۷۶). *نمادها و نشانه ها*. ترجمه علی صلح جو، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- Wilkinson, C.K. (1897). *Nishapur: Pottery of the Early Islamic Period*. New York: Metropolitan Museum of Art.
- URL 1: [www.vajehyab.com/amid](http://www.vajehyab.com/amid) (access date: 2018/06/20).
- URL 2: [www.vajehyab.com/dekhoda](http://www.vajehyab.com/dekhoda) (access date: 2018/06/20).

Received: 2018/12/18

Accepted: 2019/04/22



## **A Comparative Study and Analysis on Motifs of Pottery in Kahnek Site and Traditional Kilim Motifs and Contemporary Mentally-weaved Rugs in Sarbisheh county in South Khorasan province**

**Amir Anvari Moghaddam\* Mahtab Mobini\*\***

**Mohammad Farjami\*\*\***

### **Abstract**

Sarbisheh County in the south Khorasan province has always been affected by the cultural and social behaviors of the immigrants and nomadic tribes, due to its special geographical location. The result of these immigration impacts is shown in the present paper to illustrate the relationship between the pottery motifs obtained from the four chapters of the archaeological excavation of the area of Kahnek in Sarbisheh and the motifs used in the traditional hand-woven of this area, especially mentally-weaved rug and Kilim. It is tried to examine the possible similarities and/or differences in designs and authenticity on local heritage practices in these handmade things, deemed as masterpieces created by the Bohlouli -Baluchi tribes and the native art of the city. The main question to be answered is whether there exists a meaningful relationship between the aforementioned motifs and what areas are possibly involved in such relation. By using a descriptive-analytical method, a comparative is made on extracted drawings. To do so, field data collection, imaging of samples, interviewing with artists and studying library documentation are used. The study shows that there is a meaningful relationship in drawings of traditional pottery and hand-craft motifs in the region. Simplicity and combination of geometric designs together with abstract designs inspired by plants, objects and nature are among the most common motifs that can be easily observed, however, human designs cannot be identified in Kahnak pottery (except in a number of hand-woven things). The use of motifs and similar forms in pottery and hand-wovens in the region clearly demonstrates the impact of culture, environmental conditions, beliefs and ideology on the art works. Having not found any similarities in case of some pottery motifs, it was inferred that they might be adopted from other regions, most likely from Neyshabour pottery species.

**Key words:** Mentally-weaved rug, Traditional Kilim, Painted pottery, Historical site of Kahnek, Sarbisheh.

---

\* M.A. in Arts Research, Payame Noor University, East Tehran, Iran.

\*\* Assistant Professor, Department of Art, Tehran Payame Noor University, Iran.

\*\*\* Ph.D.student in Archaeology, Faculty of Literature and Humanities, Tehran University, Iran.